

## بررسی تحلیلی گرایشهای فقه شیعه در تعلیم و تربیت دوره آل بویه

مریم سارخانلو<sup>۱</sup> محبوب مهدویان<sup>۲</sup> باقر سرداری<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران  
<sup>۲</sup> استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران (نویسنده مسئول)  
<sup>۳</sup> استادیار گروه علوم تربیتی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.

نویسنده مسئول: dr\_smj@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۹

### چکیده

در بررسی جنبه های گوناگون فرهنگ و تمدن، تعلیم و تربیت به منزله مولفه ای مهم، همواره مورد توجه بوده، و امروز نیز معیار توسعه یافتگی جوامع به شمار می رود. دوره حکومتی آل بویه، یکی از دوره هایی است که با توجه به ویژگی های خاص، به ویژه شیعی مذهب بودن آنان، تأثیر قابل اعتنایی در تعلیم و تربیت جامعه اسلامی داشته است. در این مقاله مولفه مذهب شیعه، حکمرانی و اندیشه فقهی مورد توجه قرار گرفته و رویکرد و نگاه متفاوت در علل توسعه فقه در دوره آل بویه و نمود گرایش های فقهی در این دوره، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. و در آن ضمن استخراج داده های لازم پژوهش از منابع متعدد و متنوع تاریخی، فقهی و تربیتی و چینش منطقی داده ها و توصیف آنها، تحلیل های مرتبط ارائه شده است. در راستای عنوان مقاله، با اشاره به جایگاه فقه در دوره آل بویه، علل و عوامل توجه به فقه تشریح شده و تأثیرگذاری این توجه در تعلیم و تربیت این دوره مورد تحلیل قرار گرفته است. نتیجه این تحقیق نشان می دهد مجموعه ای از عوامل از جمله تأثیر مذهب، منش و سیاست رفتاری حاکمان آل بویه در این دوره، فقه، جایگاه ویژه ای یافت و حضوری برجسته در تعلیم و تربیت پیدا کرد. این برجستگی هم در رشد آموزش معارف مذهبی شیعه، هم در تاسیس و توسعه نهادهای آموزش دینی و هم در تالیفات آموزشی و تربیت دانش آموخته های برجسته در فقه نمایان است.

**کلیدواژه:** آل بویه، تعلیم، تربیت، فقه، گرایش، شیعه.

### مقدمه

در میان ابعاد و جنبه های گوناگون فرهنگ و تمدن، تعلیم و تربیت به منزله مولفه ای مهم، همواره مورد توجه بوده، و امروز نیز معیار توسعه یافتگی جوامع به شمار می رود؛ یکی از مهمترین دلایل آن نقش بنیادی تعلیم و تربیت در تعالی مادی و معنوی انسان، شکل گیری و توسعه فرهنگ و تمدن در جوامع علی الخصوص جوامع اسلامی است؛ بنابراین در تمدن اسلامی که بر پایه تعلیم و تربیت دین محور بنا شده، این مقوله از اهمیت بسیاری برخوردار بوده و مورد تأکید آموزه های اسلامی هم است. و با توجه به اینکه شناخت گرایش های تربیتی می تواند ظرفیت مناسبی برای شکل گیری نهادهای اجتماعی و زمینه ساز ترقی و تعالی نظام آموزشی کشورمان باشد دارای اهمیت خاصی می باشد.

از جهت دیگر تحقیق در زمینه نظام تربیتی، یکی از مهمترین حوزه های پژوهش در تاریخ تمدن اسلامی است چرا که در بسیاری از موارد نظام تعلیم و تربیت وسیله ای برای انجام سیاست های حاکمان بوده است. دولت ها از طریق نهادهای تربیتی و محتوای آموزش می توانند اقتدار (مقبولیت عامه) خود را تثبیت کنند و نظام تعلیم و تربیت این مسؤولیت را به عهده دارد تا مقبولیت دولت را به شیوه های در لابه لای دروس و در فضای آموزشی ایجاد کند و افراد جامعه را نسبت به حاکمیت توجیه کند. این توجیه مقبولیت می تواند با کمک حکما، فقها و متکلمان انجام شود.

گرایش های تربیتی هر جامعه نشان دهنده نوع نگاه غالب حکومت آن جامعه به مجموعه فعالیت های تربیتی می باشد که می تواند بصورت گرایشهای فقهی به تعلیم و تربیت در راستای موضع گیری و رویکرد دستگاه حاکم باشد.

دلیل انتخاب دوره آل بویه بعلا اینست که این دوره از نظر علمی در تاریخ ایران یک دوره بارزی می باشد. این دولت با تسامح مذهبی و تساهل گری از سایر دولت ها متمایز شده، به گونه ای که کعبه ادبا، حکما و دانشمندان از فرقه ها و مکاتب مختلف گردید. (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۷۵)

در سده چهارم و پنجم هجری رویکرد حاکمان و امیران دولت آل بویه (۴۴۸-۳۲۱ ه ق) علم دوستی و دانش پروری بوده است. طبیعتاً علم دوستی و دانش پروری ایشان به ویژه در لایه های بالای اجتماعی، از جمله طبقه عالمان و تحصیل کردگان، باعث آزادی های اجنماعی شده است.

تشویق و حمایت از فقها و متکلمان در سراسر دوران حکومت آنها کاملاً مشهود بود. وسعت نظر و روشن اندیشی آنان به آنها اجازه می داد تا فعالیت علمی و فرهنگی را بدون محدودیت پرورش دهند. (کبیر، ۱۳۶۲: ۷۸) از اقدامات مصلحت جویانه امیران آل بویه برقراری تعادل دینی و اعطای فرصت برابر به پیروان ادیان و مذاهب موجود و ایجاد شرایط لازم برای پرورش انواع اندیشه ها و عقاید بود. (ترکمنی، ۱۳۸۹: ۱۵۲)

در این دوره با توجه به حاکمیت روح تساهل مذهبی، مجالس علمی رشد قابل ملاحظه ای داشتند و عالمان دینی جایگاه با ارزشی پیدا کردند. تاسیس دارالعلم ها، مدارس و انواع دیگر مراکز علمی و دعوت از علمای برجسته شیعه برای حضور در مراکز علمی، دعوت از عالمان برجسته شیعه در راستای شیعه گری و تقویت و گسترش اندیشه های شیعی و تربیت شاگردان موثر بود. به زیارت رفتن پای پیاده (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۹/ ۲۹۸) وصیت پادشاهان جهت دفن آنها در کنار مقابر امامان شیعه (ابن اثیر، ۱۳۸۳: ۱۲/ ۵۶۱) همگی نشانه پابندی به مذهب شیعه و تلاش در جهت تحکیم موقعیت آنها بوده است.

حال با توجه به علم دوستی و دانش پروری حاکمان این دولت و نقش قابل توجهی که در ایجاد و توسعه مراکز علمی داشته اند، این امر آنها را شایسته بررسی می نماید و با توجه به گرایش مذهبی و حمایت از فقها و متکلمان شیعه، از جهت بهره برداری از تجربیاتشان می توانند راهنمای عملی نظام تربیتی موجودمان شود. هر چند تحقیقات زیادی در مطالعه این دولت صورت گرفته و از زوایای مختلفی بررسی شده اند، اما ما در این پژوهش به دنبال این هستیم که بدانیم؛ چه عواملی باعث رشد و توسعه فقه در این دوره شده، همچنین گرایش فقهی در این برهه، چه اثراتی بر عملکرد آموزشی و گرایشهای تربیتی داشته است. گرایش فقهی به تعلیم تربیت به معنای فعالیت‌های فقیهان و رفتار ایشان در برخورد با مسائل تربیتی می باشد. مثال: به کارگیری روش آموزش، ارائه مواد درسی و..

با توضیحات مذکور، هدف ما از این تحقیق بررسی تحلیلی دوره آل بویه از بعد فقهی می باشد در این راستا؛ روش پژوهش در این تحقیق توصیفی - تحلیلی است. در گردآوری داده ها از شیوه کتابخانه ای استفاده می شود سپس بعد از استخراج مهمترین مؤلفه های تحقیق از منابع دست اول و دست دوم و تحقیقات جدید، به دسته بندی و در نهایت به تحلیل و نگارش مطالب پرداخته خواهد می شود. به این صورت که ابتدا به بررسی علل و عوامل توسعه فقه در عصر آل بویه پرداخته و در بخش بعدی به تحلیل ظهور و نمود گرایش فقهی در تعلیم و تربیت خواهیم پرداخت.

#### متن اصلی

علم فقه پس از معرفت خداوند شریف ترین علوم است زیرا رابطه علم فقه نسبت به اعمال و رفتار آدمی از هر علم دیگر بیشتر است، زیرا به وسیله علم فقه است که اوامر و دستورات خداوند شناخته می شوند و نیز از نواهی او اجتناب می گردد و هم چنین به وسیله فقه است که پس از معرفت الهی احکام و قوانین الهی دانسته می شود. (فیض، ۱۳۷۹: ۱۲۳)

فقه شناسایی احکام خدای تعالی درباره ی افعال کسانی است که مکلف می باشند بدین سان که دانسته شود کدام فعل آنان واجب یا حرام، مستحب یا مکروه یا مباح است. مبنای این علم بر استنباط احکام است از کتاب و سنت و به سبب همین استنباط محل اجتهاد است و نتیجه اجتهاد، اختلاف فقها و ایجاد دسته های جدید در میان مسلمین می باشد. تا اواسط قرن دوم هنوز علوم اسلامی کاملاً مدون نشده، و طرق مختلف که در نتیجه ی تأویل و تفسیر قرآن و احادیث ماثور می بایست پدید آید، پدیدار نشده بود. از اواسط قرن دوم چهار تن مؤسسين طرق تسنن به تعلیمات خود آغاز کردند. نخست ابو حنیفه نعمان بن ثابت، که از مردم کوفه بود و فارسی می دانست و در سال (۸۰ هـ. ق) به دنیا آمد و در سال (۱۵۰ هـ. ق) در گذشت طریقه ی حنفی را تأسیس کرد. پس از او ابوعبدالله مالک بن انس که در مدینه در سال (۹۳ هـ. ق) به دنیا آمد و در سال (۱۷۹ هـ. ق) در گذشت طریقه ی مالکی را مؤسس شد پس از او ابوعبدالله محمد بن ادریس بن عباس بن عثمان بن شافع، که در فلسطین آمده بود و هاشمی قریشی بود و در سال (۱۵۰ هـ. ق) به دنیا آمد و در سال (۲۰۴ هـ. ق) از جهان رفت و طریقه ی شافعی را بنیان نهاد. بعد از او ابوعبدالله احمد بن محمد بن حنبل در سال (۱۶۴ هـ. ق) به جهان آمد و در سال (۲۴۱ هـ. ق) از جهان رفت اساس طریقه ی حنبلی را گذاشت. (نفیسی، ۱۳۸۶: ۲۳۴)

تاریخ فقه اجتهادی شیعه در واقع بعد از دوره غیبت صغری آغاز شده است، زیرا در قبل از آن دوره به دلیل حضور معصومان (پیامبر و امامان علیهم السلام) نیازی به تفقه در احکام دینی احساس نمی شد. البته به این معنی نیست که در این دوره هیچگونه فعالیت فقهی انجام نمی شد؛ بلکه شواهدی وجود دارد که نشان می دهد پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام به علت فاصله ی جغرافیایی افرادی را که در احکام دینی تخصص داشتند به نواحی مختلف می فرستادند. به عنوان مثال، طبق گفته شیخ طوسی، علی بن مسیب به امام رضا علیه السلام گفت: "مسافت زیادی وجود دارد و من نمی توانم هر زمانی که بخواهم به خدمت شما برسم، از کدام فرد احکام دینی خود را بپرسم؟" امام پاسخ داد: "از زکریا بن آدم قمی که امین و مورد اعتماد در دین و دنیا است." (طوسی، ۱۴۰۴: ۲۳۱) تاریخ فقه امامیه شیعه را می توان به ادوار مختلف تقسیم کرد، و در این تقسیم بندی، دوره بعد از غیبت صغری تا نیمه اول قرن پنجم به عنوان دوره دوم شناخته می شود. یکی از ویژگی های این دوره، تالیف کتب فقه فتوایی به صورت بالنسبه نظری ولی به طور ابتدایی است. در این دوره، برای اولین بار کتبی در حوزه فقه به صورت جمع و جور شده و به صورت مجموعه ای از آراء

حکمی تالیف شدند. (گرچی، ۱۳۷۷: ۱۲۴) قرن چهارم هجری در تاریخ فقه شیعه امامیه اهمیت ویژه‌ای داشته است، زیرا در این قرن، با تلاش ابن عقیل عمانی، فقه شیعه بر پایه اجتهاد و استناد به منابع دینی، برای نخستین بار به صورت سیستماتیک و متن‌نگاری شده، بنیانگذاری شد. ابن عقیل عمانی از جمله فقها و مفسران برجسته قرن چهارم هجری است که با کارهای خود در زمینه فقه و استناد به منابع اصلی دینی، به توسعه و پیشرفت فقه شیعه بسیار کمک کرد (محقق، ۱۳۷۰: ۱۶). در ادامه مسیر ابن عقیل عمانی در توسعه فقه شیعه، محمد بن جنید اسکافی (متوفای اواسط قرن چهارم) به تدریس و ترویج اصول اجتهاد و استنباط فقهی پرداخت و پایه‌های این روش‌ها را بیشتر تثبیت کرد. آنها به عنوان دو نفر از قدیمی‌ترین مراجع فقهی شناخته می‌شوند. شیخ مفید (متوفای سال ۴۱۳ هـ) و سید مرتضی علم‌الهدی (متوفای سال ۴۳۶ هـ) نیز در ادامه راه اجتهاد را پیش برداشتند و به توسعه آن کمک کردند، تا اینکه نوبت به شیخ طوسی (متوفای سال ۴۶۰ هـ) رسید. با ورود ابن عالم بزرگ، فقه شیعه به مرحله‌ی شکوفایی و رونق خود رسید؛ او علاوه بر تالیف دو کتاب حدیثی معتبر به نام‌های "تهذیب" و "استبصار"، به تدوین کتاب‌های فقهی و اجتهادی نیز پرداخت و آثاری چون "نهایه"، "مبسوط" و "خلاف" را در زمینه فقه به شیوه‌ی نوشتاری گردآوری کرد. (محرمی، ۱۳۸۴: ۲۳۱) در این دوره فقهای بزرگ و کثیری ظهور کردند که برخی از معروف‌ترین آنها عبارتند از: علی بن ابراهیم قمی (م ۳۰۷ هـ)، محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی (۳۲۹ هـ)، ابوالقاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه (۳۹۸ هـ)، علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی (۳۲۹ هـ) پدر شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه معروف به ابن بابویه و صدوق (۳۸۱ هـ)، محمد بن احمد بن جنید، معروف به اسکافی و ابن جنید (۳۸۱ هـ)، ابن ابی عقیل عمانی، علی بن عیسی رمّانی (۳۸۴ هـ)، محمد بن عمران مرزبانی (۳۸۴ هـ)، ابوغالب زراری (۳۶۸ هـ)، ابوبکر محمد بن عمر جعابی (۳۵۵ هـ)، ابوعبدالله حسین بن علی جعل بصری (۳۶۹ هـ)، ابوعبدالله، محمد بن بن نعمان حرثی عکبری بغدادی معروف به شیخ مفید (۴۱۳ هـ).

تا پیش از زمان شیخ مفید و شیخ طوسی، علمای شیعه بر اساس متون و آیات و احادیث فتوا می‌دادند و به مباحث اصولی توجهی نداشتند، کتب فقهی آن‌ها در واقع فروعی بود که از ظاهر احادیث می‌فهمیدند و برای عقل جایگاهی قائل نبودند. از سویی گذر زمان نشان داد که این شیوه، پاسخ‌گویی تمامی نیازها نیست. علاوه بر این، مخالفان، علمای شیعه را سطحی نگر معرفی کردند. (خوانساری، ۱۳۶۰: ۲۵۹) در دوره آل بویه برای اولین بار در فقه شیعه اثر رای و اجتهاد به خوبی محسوس گردید و فقه شیعه از صورت نقل متون نصوحی به صورت فنی درآمد. (گرچی، ۱۳۷۷: ۱۴۱) شیخ طوسی این ویژگی را به حوزه بغداد بخشید. وی کتاب المبسوط را با گرایش اجتهادی تالیف کرد و در صد برآمد به نیازهای فقهی جامعه پاسخ دهد.

علل و عوامل رشد و توسعه فقه شیعی در دوره آل بویه

#### ۱- تاثیر مذهب حکمرانان آل بویه

با توجه به برخی منابع، بویه‌یان، که خاستگاه آنها در طبرستان دیلم قرار داشته است، به تشیع مذهب شیعه عقیده داشته‌اند (طوسی، ۱۳۴۷: ۱؛ امین، ۱۴۱۸: ۶۶/۱). منابعی اشاره کرده‌اند که مردم این منطقه به وسیله علویانی مانند حسن بن زید و محمد بن زید با اسلام آشنا شدند و این ممکن است باعث شده باشد که بویه‌یان تمایل به تشیع داشته باشند (جعفریان، ۱۳۸۵: ۳۶۲). همچنین، شواهدی مانند احیای شعائر شیعه (ابن جوزی، ۱۴۱۲ هـ ق: ۱۴/۱۵۰)، وجود وزرای شیعه (تعالی، ۱۴۰۳ هـ ق: ۱۵۹/۱) و رابطه آنها با خاندان و علمای شیعه نیز این نکته را تأیید می‌کنند (شوشتری، ۱۳۷۷: ۴۵۶).

با توجه به منابعی که ذکر گردید، به نظر می‌رسد برخی از مردم آل بویه با علویان زیدی مذهب آشنا شده و اسلام را از آنان پذیرفته‌اند. این ممکن است باعث شده باشد که بویه‌یان تمایل به گرایش به مذهب زیدی داشته باشند. درباره آل بویه، به خاطر بیعت آنان با ناصر کبیر و داعی، به نظر می‌رسد گرایش مذهبی آنها روشن است و از لحاظ زیدی بودن داعی، خبری موجود نیست. با این حال، درباره اطروش وجود اختلافاتی در منابع وجود دارد. ابن زهره زیدی بودن ناصر کبیر را تأیید کرده و اطروش را به عنوان امامی مذهب نشان داده است، اما نجاشی ادعای امامی بودن اطروش را تأیید می‌کند (نجاشی، ۱۴۰۷: ۵۷). علامه حلی (معروف به آیت‌الله سید محمد حسین طباطبایی حلی) در اثر خود که در سال ۱۳۸۱ به چاپ رسیده (حلی، ۱۳۸۱: ۲۱۵)، نظر نجاشی را کاملاً تأیید می‌کند. با این حال، واقعیت زیدی بودن ناصر کبیر با توجه به تکثیر انتشار مذهب زیدی در منطقه طبرستان، به ویژه به دلیل نکوهش او نسبت به پسرش احمد که خود از انصار امامی مذهب بوده، همچنان مسأله‌ای از اهمیت خود است. در این کتاب، معتقد به نکوهش پسر احمد ناصر کبیر و از آن رو به زیدی بودن او ایمان دارد و این موضوع را در مرحله نخست تأیید می‌کند (ابن اثیر، ۱۳۵۱: ۳۵۱/۱۰). تعدادی از علما و محققان به امامی بودن آل بویه اشاره کرده‌اند. این شامل شخصیت‌هایی چون عبدالجلیل رازی (معروف به قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۴۵)، ابن جوزی (معروف به ابن جوزی، ۱۴۱۲ ق: ۱۵۷/۱۵)، ابن کثیر (معروف به ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۳۲۸/۱۱) و ابن تغری بردی (معروف به ابن تغری بردی، بی تا: ۳۰۷/۲) می‌شود. همچنین، برخی از محققان معاصر نیز به امامی بودن آل بویه تصریح کرده‌اند، از جمله اشپولر. اشپولر معتقد به امامی بودن آل بویه از ابتدای تاریخ اسلام است و اعتقاد آنها به مذهب دوازده امامی را تأیید می‌کند (اشپولر، ۱۳۶۹: ۳۶۳/۱). این نظرات نمایانگر تنوع نظرات در مورد عقاید آل بویه و تاریخچه مذهبی آنها هستند (شیبی، ۱۳۷۴: ۴۱).

## ۲- منش و سیاست رفتاری حاکمان آل بویه

بطور کلی، در زمینه مناسبات بین اهل سنت و شیعه، مشاهده می‌شود که در روزهای مهمی مانند عاشورا، عید غدیر، و مواقع دیگر، دولت تدریجی نمی‌کند و تلاش می‌کند خود را بی‌طرف نگه دارد. این رفتار حکومت به عنوان یک تلاش برای رفع تنش‌ها و اختلافات بین دو گروه اهل سنت و شیعه در این تاریخ‌ها مشهود است. با تلاش و همکاری مردم، دشمنی‌ها کاهش می‌یابند و اعضای این دو فرقه مسلمان در مکان‌های مقدس مشترک مانند زیارتگاه‌ها و مساجد با یکدیگر ملاقات می‌کنند. به عنوان مثال، در سال ۴۴۲ هجری قمری، در اول ماه ذی‌حجه، مردم تصمیم گرفتند به کربلا بروند تا قبر امام حسین علیه‌السلام را ویزیت کنند، و همچنین به نجف بروند تا مقبره امیرالمؤمنین علیه‌السلام را زیارت نمایند. مردم از محله نهر الدجاج در بغداد و محله کرخ با پرچم‌های متنوع به خیابان‌ها آمدند. اهل سنت و شیعه در کنار یکدیگر به طرف مسجد جامع حرکت کردند. در این موقعیت خاص، اهالی محله باب الشام و کوچه دارالرفیق با پرچم‌های خود به سمت مردم اهل تستن روانه شدند. در این لحظه، همه با یکدیگر، همراه با علما که در جلوی آنها حضور داشتند، به عقب برگشتند. این اتفاق برای اولین بار رخ داده بود و نمایانگر همبستگی و توافق بین اهل سنت و شیعه بود. به عبارت دیگر، این دو گروه، شیعه و اهل سنت، در این روزهای مهم به توافق رسیده بودند. این توافق و همدلی منجر به تغییر در عبارات اذان در مساجد مقدس گردید. در محله کاظمین، در اذان حی علی خیر العمل، شیعه و اهل سنت به یکدیگر پیوسته و در مساجد مختلف مانند مسجد عتیق و مسجد بزازان، در اذان صبح عبارت "الصلاه خیر من النوم" را به کار بردند. هر دو گروه به اتفاق به زیارت قبر امام حسین حضرت علی علیه‌السلام رفتند، و این نمایانگر یکجا آمدن و توافق آنها بود. (ابن جوزی، ۱۴۱۲ ق: ۸ / ۱۴۵-۱۴۶)

مهم‌ترین دلیل برای این طرز تفکر در میان عموم مردم، باید در رویکرد شیعیان طبقه حاکم و متفکران برجسته این عصر پیدا کرد. این گروه از افراد نگرشی مثبت به میراث فرهنگی سایر تمدن‌ها داشتند و به تساهل‌گرایی و عدم تعصبات مذهبی متمایل بودند. این سیاست تساهل‌گرایی و عدم تعصب به مذهب، به کاهش شدت درگیری‌ها و تنش‌های میان اهل سنت و شیعه کمک کرد. (مقدسی، ۱۳۶۱: ۳۹۵/۲) بسیاری از محققان و منابع، تسامح و تساهل حکومت آل بویه را به رویکرد شیعی این خاندان نسبت می‌دهند. بر اساس گفته‌های کرمر، تشیع نشان داده است که در مقابل جریان‌های فکری تاب تحمل دارد و تسامح بیش از تسنن در ذات آن جای گرفته است (کرمر، ۱۳۷۵: ۷۴). این تسامح شیعی را بسیاری به عنوان بخشی از اسلام در نظر می‌گیرند، زیرا قرآن به صورت رسا فریاد می‌زند: «فبشر عباد الذین يستمعون القول فیتبعون أحسنه» (زمر: ۱۸)، روح اسلام شیعی به پذیرش حق و تعقل و تبعیت از حقایق اشاره دارد. شیعیان باور دارند که مرام و ارزش‌های آنان شامل حمایت از منطق، گفتگو، پیروی از خرد و عقلانیت است و نیازی به استفاده از خشونت ندارد. در عهد آل بویه، حنابله به شدت به شیعیان واکنش نشان دادند. وعاظ حنبلی مردم را به توبه و پیروی از راه پاک و بی‌آلایش اجداد پرهیزگارشان فراخوانده و به شیعیان حملاتی راه انداختند. این حملات سبب بروز ناآرامی‌ها در شهر بغداد شد. (ابن کثیر، ۱۴۰۷، صفحه ۶۷۴) در این دوره به جهت باورهای شیعی حاکمان و روحیه تسامح‌طلبی آنها، مردم از هر گروه و فرقه اجازه پیدا کردند تا عقاید و باورهای خود را بیان نمایند. (زرین کوب، ۱۳۸۰: ۷۵/۲) یکی از شواهدی که نشان دهنده مدارایی مذهبی امیران آل بویه است، این است که با وجود اعتقاد و تعهد خود به مذهب شیعه، اجازه می‌دادند تا اعمال مذهبی اهل سنت انجام شود و حتی در برخی موارد به اجرای این اعمال کمک می‌کردند. به عنوان مثال، طبق نوشته ابن جوزی، وقتی معزالدوله به بغداد وارد شد، سه تن از قاریان قرآن که در نحوه قرائت آیات قرآن متفاوت بودند را انتخاب کرد تا به نماز تراویح اهل سنت بپردازند. این نمونه نشان‌دهنده تسامح و تعامل مذهبی حکومت آل بویه با اهل سنت است. (ابن جوزی، ۴۴/۱۵)

در عصر آل بویه، در برخی موارد، حتی داعیان اسماعیلیه که رقیب عقیدتی و سیاسی حکومت آل بویه و خلافت عباسی بودند، به آزادی در تبلیغ عقاید خود دست پیدا می‌کردند. در زمان حکومت معزالدوله (۳۲۰ - ۳۵۶ قمری)، داعیان اسماعیلی که از طرف فاطمیان فرستاده می‌شدند، در بیشتر شهرهای بین‌النهرین فعالیت داشتند و کتب و مؤلفات آنها به طور گسترده منتشر می‌شد. (ابن ندیم، ۱۳۸۱: ۲۴۰) همچنین عضدوالله، ابوبکر باقلانی، متکلم سنی (اشعری مذهب) را به شیراز دعوت کرد تا معلم پسرش باشد و او را آموزش دهد (کرمر، ۱۳۷۵: ۳۷۳) و نیز در راستای سازش و مدارا با گروه‌های مذهبی، خانقاهی برای صوفیان بنا نمود که بیرون از دروازه شهر شیراز قرار داشت (ترکمنی آذر، ۱۳۸۹: ۳۶۳). فخرالدوله دیلمی، دیگر امیر بویه در ری (پایتخت دوم آل بویه) نیز ابوالحسین فارسی، عالم لغوی را که مذهب شافعی داشت برای آموزش فرزندش مجدالدوله به این شهر دعوت نمود (همان: ۲۵۸). این تسامح و احترام به دانشمندان و عالمان سایر مذاهب تا آنجا بود که حتی عالم شیعه، سیدرضی، در سوگ درگذشت ابراهیم بن هلال دانشمند مسیحی، مرثیه ای برای او سرود. (ابن قفطی، ۱۳۷۱: ۱۰۹) سیاست سازش و مدارای مذهبی در زمان عضدالدوله با واقع بینی بیشتری همراه بود. بطوری که این پادشاه برای ایجاد امنیت، تفاهم و دوستی میان مردم از آنان درخواست نمود که از پرستشگاه‌ها و اماکن مذهبی یکدیگر بازدید نمایند و با هم عهد و پیمان دوستی ببندند. (کرمر، ۱۳۷۵: ۳۷۰) همچنین در اجرای سیاست آشتی فرقه‌های مذهبی، علاوه بر جلب مسلمانان، اقداماتی برای جلب غیرمسلمانان نیز انجام گردید. عضدالدوله به نصر بن هارون وزیر دستور داد تا بیعه‌ها (کنیسه‌ها) و دیرها را نوسازی کند و به بینوایان ایشان رسیدگی نماید. (مسکویه رازی، ۱۳۷۶: ۴۸۹۲ / ۶) همچنین در این عصر هنوز آداب و رسوم مربوط به آیین زردشتی و فعالیت‌های علمی زردشتیان بدون محدودیت در فارس رایج بود. (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۲۱)

روشن اندیشی حکمرانان بویه و تحمل افکار مختلف و اجازه ابراز عقاید موجب شد عالمان و فقهای مذاهب گوناگون نیز از این فرصت استفاده کردند و اقدام به آموزش معارف و تربیت شاگردان و تدوین آراء و نظرات خود نمودند. و با حمایت وی وضع علمی جامعه بهبود یافت و این حمایت تا آنجا بود که علمای شیعه به خاطر دفاع از باورهای شیعی مورد توجه حاکمان آل بویه قرار گرفتند. (ابن اثیر ۱۳۸۳، ۲۱/۹)

### ۳- پیروی از اهل بیت

امامیه گروهی هستند که باور دارند امامان، به ویژه امیرمؤمنان علی (ع)، موجودیتی منصوص و جداگانه هستند و اطاعت از آنها الزامی است. آنها معتقدند که ائمه اطهار حجت خدا در بین مردم هستند و مشروعیت الهی دارند و برای رهبری امت اسلامی صلاحیت دارند. وظیفه آنان اجرای حدود الهی، هدایت و تأدیب مردم است. (کلینی، ۱۴۰۴ق، ۱۷۲/۱ و مفید، ۱۴۱۳ق: ۴۶) آنها در تأکید بر اطاعت از دستورات امامان، به دلیل مطلوبیت و جلوه ذاتی آنها، تأکید می‌کنند تا انسان از راه گم نرود. امیرمؤمنان علی (ع) نیز بر اساس این اعتقاد فرموده است که حقی که به گردن او دارید، تأدیب و آموزش شماسست تا نادان ننماید. (کلینی، ۲۵/۲۱۴۰۴) همچنین فرموده است که والی نباید در بیان احکام و حدود الهی توقف کند زیرا از بین بردن سنت امت به هلاکت منجر می‌شود. این اندیشه منجر به این می‌شود که شیعیان تنها با اطاعت از آموزه‌های اهل بیت، به سعادت در دنیا و آخرت برسند و در غیبت امامان، به فقه اهمیت بدهند و فقها در تبیین و ترویج احکام و حدود الهی نقش مهمی در شکل‌گیری نظام تربیتی فقه‌مدار دارند تا هویت و زندگی شیعی را حفظ کنند. (مفید، ۱۴۱۳ق: ۴۶)

تبیین آموزه‌ها و دفاع از مذهب از جمله عوامل مهم در شکل‌گیری گرایش‌های فقهی است. فقه علاوه بر دفاع از مذهب، مسئولیت انتقال آموزه‌ها را نیز بر عهده داشتند. به همین دلیل، بخش قابل توجهی از فعالیت آنها به این امر اختصاص داده شده بود و انواعی از فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی مانند مناظرات و تالیف کتب را آغاز کردند (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۱۴/ ۵۷۹) در قرن چهارم، اتهامات و شبهاتی مانند نفی مهدویت، از عوامل مهمی بودند که شیعیان را به تبیین درست باورها، حفظ هویت مذهبی و تمایز آن از سایر فرقه‌های اسلامی واداشتند. به همین دلیل، عالمان به نگارش و تدریس کتبی با عنوان "الغیبه" در دفاع از مهدویت پرداختند. شیخ مفید نیز علاوه بر تدریس علم کلام امامیه و مناظره با مخالفان، کتاب "أوائل المقالات فی المذاهب و المختارات" را در تفکیک باورهای شیعه از دیگران نگاشت کرد (کلینی، ۱۴۰۴ق: ۸). این تلاش‌ها و آثار تالیفی نقش مهمی در حفظ و تبیین آموزه‌های شیعه و هویت مذهبی آن دارند.

### ۴- حضور برجسته نظریه پردازان فقه و تلاش ایشان در دوره آل بویه

علمای شیعه؛ پاسداران تمدن اسلامی با درک شرایط، به جهاد علمی پرداخته با توسعه کمی و کیفی به تولید علم کمک شایانی کرده اند ایشان افزون بر نظریه پردازی و نیاز سنجی، توانستند در شرایط سخت شیعیان را از بحران عبور دهند. علما با رصد فضای حاکم بر جامعه، در عصر غیبت با توجه به حمایت امرای آل بویه فرصت مناسبی برای جولان علمی و آموزشی فراهم کنند.

محمدبن احمد بن جنید، معروف به اسکافی (۳۰۰-۳۸۱ق)، از بزرگان فقها و متکلمان متقدم شیعه و از مشایخ شیخ مفید است. او از نخستین فقیهانی است که در کنار ابن عقیل باب اجتهاد را گشودند. از جمله آثار او در فقه و اصول، احکام الارش، احکام الصلوه، احکام الطلاق می باشد. (مدرس خیابانی، ۱۳۶۹: ۱/ ۱۲۱)

ابوالحسن علی بن محمدبن حبیب الماوردی (۳۴۶- ۴۵۰ق) از بزرگان نظریه پرداز فقه سیاسی اسلام می باشد و شاخص مذهب و دارای تمایلات معتزلی است. وی در نزد ملوک آل بویه مقامی ارجمند داشت. او را به هنگام اختلاف میان خود به وساطت می فرستادند و به هر چه نظر می داد خشنود بودند. از آثار او در زمینه فقه کتاب الاحکام السلطانیه می باشد. (حمودی، ۱۳۸۱: ۱۲/ ۸۶۱) حسن بن علی بن حسین بن موسی بابویه قمی (۳۸۷ق)، فقیه، محدث و متکلم نامدار فرزند علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، معروف به صدوق اول برادر شیخ صدوق می باشد. از فقهای نامی عصر خویش بوده است. بزرگانی چون حسن بن محمد شببانی و سید مرتضی علم الهدی و حسین بن عبدالله از شاگردان او به شمار می آیند. از جمله آثار او کتاب التوحید، نفی التشبیه • الرد علی الواقفه (حسینیان مقدم، بی تا: ۲۲۶) شیخ مفید نخستین عالم شیعه است که با طرح ولایت سیاسی و دینی، امر تعلیم و تربیت مردم در عصر غیبت را وظیفه فقیه عادل، عاقل و اهل فضل و دانش معرفی کرد (مفید، ۱۴۱۳ق: ۶۵۷) نتیجه این اندیشه تاسیس مراکز علمی، کرسی های درس، تولید متون درسی ... می باشد.

با تسلط آل بویه بر بغداد و حضور پیروان مذاهب گوناگون از یک سو و ارتقاء موقعیت شیعیان و گسترش فعالیت های فرهنگی آنان از سوی دیگر، گزارش هایی که مقدسی در طی بازدید از مناطق مختلف ایران و عراق ارائه نموده است؛ نشان می‌دهد که هر یک از این گروه ها سرگرم فعالیت های آموزشی و رواج دادن معارف و اصول اعتقادی خود بودند. (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۹۲/۲) و در این رابطه اظهار می‌دارد:

در فارس، پیروان مذاهب حنفی، شافعی، شیعه و ... اماکن آموزشی و تبلیغی خاص خود را دارند و عالمان و دانشمندان هر یک از این گروه ها در فاصله نماز عصر تا مغرب برای عموم مردم مجالسی برپا می‌دارند و از بامداد تا برآمدن آفتاب نیز به تشکیل حلقه های درس فقه یا قرآن خوانی و حدیث اقدام می‌نمایند. (همان: ۶۵۳)

تا پیش از زمان شیخ مفید و شیخ طوسی علمای شیعه بر اساس متون و آیات و احادیث فتوا می دادند و به مباحث اصولی توجهی نداشتند. کتب فقهی آن ها در واقع فروعی بود که از ظاهر احادیث می فهمیدند و برای عقل جایگاهی قائل نبودند. از سویی گذر زمان نشان داد که این شیوه پاسخ گویی تمامی نیازها نیست، علاوه بر این، مخالفان، علمای شیعه را سطحی نگر معرفی کردند. (خوانساری، ۱۳۶۰: ۲۵۹)

در این دوره برای اولین بار در فقه شیعه اثر رای و اجتهاد به خوبی محسوس گردید و فقه شیعه از صورت نقل متون نصوحی به صورت فنی درآمد و با به کار بردن استدلال، فرع اعم از منصوص و غیر منصوصی بر اصول منطبق گردید. (گرچی، ۱۳۷۷: ۱۴۱) شیخ طوسی این ویژگی را به حوزه بغداد بخشید. وی کتاب المبسوط را با گرایش اجتهادی تالیف کرد و در صدد برآمد به نیازهای فقهی جامعه پاسخ دهد.

فقه های شیعه در این عصر امیدوار بودند که بتوانند به طور علنی و بدون نیاز به تقیه به اظهار عقاید خود بپردازند و با گفتمان موجود در جامعه همراه شوند و به بسط و گسترش اندیشه های اعتقادی خود اقدام نمایند. (کرمر، ۱۳۷۵: ۸۱-۸۰)، لذا آنان از این فرصت استفاده نمودند و به همکاری با حکومت و انجام برنامه های فرهنگی پرداختند. فقه های شیعه با برخورداری از حمایت پادشاهان بویه در راه فعالیت های علمی و فرهنگی خود، این اندیشه جدید را رواج دادند که همکاری با حکومت در آن شرایط زمانی تواند نتایج مفیدی داشته باشد. (الگار، ۱۳۶۹: ۲۳) به این ترتیب حکومت شیعه مذهب آل بویه در نزد آنها مشروعیت یافت و مورد تأیید قرار گرفت و فرصتی برای علما و شیعیان فراهم نمود تا در عقاید خود نسبت به تعامل با حکومت تجدیدنظر نمایند و نرمش نشان دهند. از این رو شیعیان از گوشه نشینی آمدند و با ورود به دربارها سعی کردند این راه گشوده شده را باز نگاه دارند. آنان امیدوار بودند با ورود به دستگاه حکومت و پذیرش مناصب حکومتی، رقبای سرسخت را از میدان به در و تشیع را جایگزین نمایند. (ترکمنی آذر، ۱۳۸۵: ۱۶۰) در همین ایام بود که احمد موسوی پدر شریف رضی و شریف مرتضی با پذیرش منصب نقابت علویان و امیری حجاج و ریاست دیوان مظالم، ضمن مشارکت و همکاری با حکومت در اداره امور، موقعیت شیعیان را در مقابل سایر مذاهب تحکیم نمود. او از تمام دانشهای موجود در اجرای وظایفش بهره برد. (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۴ / ۳۴۴) و حتی در سال ۳۶۷ هجری از طرف عضالدوله برای انجام یک مأموریت سیاسی نزد ابوتغلب بن حمدان در موصل اعزام گردید. (مسکویه رازی، ۱۳۷۶، ۶ / ۴۶۳ / ابن اثیر، ۱۳۸۳، ۱۲ / ۵۱۶۷) موفقیت و نفوذ او در میان مردم باعث شد که فرمانروایان آل بویه حتی از او جهت وساطت و حل و فصل درگیری های مذهبی میان محلات شیعه نشین و سنی نشین بغداد بهره ها ببرند. پس از وی مسئولیت هایش به پسرانش واگذار گردید. (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ۱۴ / ۳۴۴)

## ظهور و نمود گرایش های فقهی در تعلیم و تربیت

### رشد آموزش معارف مذهبی شیعه

دوران حکومت آل بویه، عصر درخشش تمدن اسلامی و گسترش علوم نقلی است. در این دوره علوم مختلف از جمله فقه از رشد قابل توجهی برخوردار شد. علاوه بر استقبال سلاطین، امرا و وزرای آل بویه و فقه های شیعه نیز خود در این امر نقش قابل توجهی داشته اند. شیخ مفید با برنامه ریزی و اختصاص مدرسه ای به امر تعلیم و تربیت جوانان پرداخت سید مرتضی اموال و دارایی خود را صرف تربت طلاب و دانش پژوهان و ترویج علم و دانش در راستای تفکر اهل بیت می کرد. نهضت علمی در این دوره علاوه بر کوششی که فقه های اسلامی و به ویژه شیعی در تحقق هدف های علم جویانه خویش داشتند. پیروان ادیان و مذاهب دیگر نیز توانستند دیدگاه ها، افکار و عقاید خود را مطرح نمایند. (جعفریان، ۱۳۸۵: ۱۵۳/۲ - ۲۱۱)

برخی از اندیشمندان از جمله شیخ مفید، خانه خود را به محل تشکیل جلسات درس تبدیل نمودند که تمامی افراد از دانشجویان تا مردم عادی می توانستند در این مراکز حضور یابند. (فقیهی، ۱۳۵۷: ۵۷) موقعیت اجتماعی شیخ مفید تا آنجا بود که عضالدوله او را بسیار احترام می کرد و همیشه در ملازمت شیخ بود و حتی به دیدار او می رفت. (خواندمیر، ۱۳۳۹، ۲ / ۳۰۹)

شریف رضی از دیگر عالمان شیعه بود که پس از درگذشت پدر، مسئولیت های او را بر عهده گرفت. وی در علوم قرآنی و فن شعر متبحر بود و نوشته هایش با براهین و ادله متقن و مبرهن همراه بود. (مدرس خیابانی، ۱۳۶۹: ۳ / ۱۲۶) دارالعلمی که او و برادرش سیدمرتضی تأسیس نمودند مرکز تدریس درس هایی مانند فقه، حدیث و همچنین علوم عقلی بود. سیدرضی در تلاشی مجدانه، اقدام به جمع آوری گزیده هایی از خطبه ها، سخنان حکمت آمیز، وصیت نامه و بخشنامه های امام علی (ع)، تحت عنوان نهج البلاغه نمود. استعداد سیدرضی در نقد و نوآوری و بهره گیری از شرایط آزاداندیشی و خردگرایی، که زمینه را برای رشد و پیشرفت رشته های مختلف علوم فراهم نموده بود، باعث می شد که او هیچ یک از مسائل علمی را به صورت قضایای مسلم نپذیرد بلکه آنها را مورد تحلیل تفسیر قرار دهد و نگرش روشن خود را درباره آن اظهار نماید. وی در نقدهای خود تنها به حقایق علمی توجه داشت. نقد آثار دانشمندان به وسیله سیدرضی و دیگران باعث گسترش رقابتهای سازنده میان دانشمندان رشته های مختلف و نوآوریها و ظهور آثار بدیع گردید. نمونه هایی از نقدهای عالمانه او در آثاری مانند «المجازات النبویه» باقی مانده است. (جعفری، ۱۳۷۹، ۸ / ۲۸۲-۲۸۳) سید مرتضی ملقب به علم الهدی (م ۴۳۶) از دیگر فعالان حوزه آموزش شیعه بود و نسبت به سایر علما و ادبای زمان خود، به مزید

علم و دانش امتیاز داشت. (خواندمیر، ۱۳۳۹، ۲ / ۲۷۵) او از شاگردان شیخ مفید بود و در کنار استاد خود از فقها و متکلمان بزرگ شیعه محسوب می شد. در قرن چهارم که جامعه امامیه نیازمند وجود افرادی نخبه در جهت هماهنگ نمودن ارکان این جامعه با مقتضیات زمان بود، سیدمرتضی نقش مهمی در وارد کردن مباحث عقلی و استدلالی به مفاهیم دینی شیعه امامیه داشت. (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۱۲ / ۱۲۸) و در تصحیح پایگاه های اندیشه ای شیعیان، بسیار تأثیرگذار بود. در مجالس درسی او شرکت کنندگانی از سایر نقاط جهان اسلام حضور می یافتند. سعدالدین ابوالقاسم معروف به ابن براج (م ۴۸۱) از شیعیان امامیه و اهل مصر بود که به بغداد آمد و در مجلس درسی سیدمرتضی حضور می یافت. وی به مدت هفت سال از محضر درسی استاد بهره مند شد و پس از او در جلسات درسی شیخ طوسی حضور یافت و از شاگردان خاص او گردید. (فدایی عراقی، ۱۳۸۳: ۳۳۳) همچنین ابوالصلاح حلبی (م ۴۴۷) اهل حلب بود که چندین بار به بغداد سفر نمود و در جلسات سید مرتضی حاضر می شد. (همان: ۲۵۴)

از دیگر پیشوایان شیعه امامیه در عرصه آموزش، شیخ طوسی (۵۴۶۰ه) می باشد وی در نیمه دوم قرن چهارم، به دلیل برخورد شدید غزنویان با شیعیان خراسان، شرایط برای فعالیت علمی دانشمندان شیعه مساعد نبود و باعث مهاجرت آنان از جمله عزیمت شیخ طوسی به بغداد شد. از جمله اساتید وی در بغداد الحمدانی، شیخ مفید و شریف رضی بودند. او پس از مرگ شریف مرتضی به عنوان مرجع شناخته شد. طوسی اعتقاد داشت که بسیاری از احادیث موجود از لحاظ فنی، تک اسنادی هستند و برخی از آنها نیز ساختگی و از لحاظ عقلانی قابل پذیرش نیستند، به همین دلیل به گردآوری احادیث و مستندسازی و باشند سازماندهی آنها اقدام نمود. (مادلونگ، ۱۳۸۱: ۱۳۵) در این دوران که کشمکش های فرقه ای میان گروه های مذهبی شدت داشت و اندیشه های شیعی نیز در معرض اتهاماتی بود، هر فرقه برای اثبات حقانیت خود، پایگاه های علمی و آموزشی دایر می نمود و به تشکیل مجالس مباحثه و مناظره اقدام می ورزید و یا به نگارش کتابهای ردیه می پرداخت. (متز، ۱۳۶۲، ۱ / ۲۳۵-۲۳۱)؛ شیعیان نیز فقها، مفسران و مراکز علمی و تعلیماتی خاص خود را داشتند. (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۴۱) و در مساجد مختص خود به تعلیم شاگردان می پرداختند. (ابن اثیر، ۱۳۸۳، ۱۲ / ۵۴۵۲) از میان فعالان و دانشمندان شیعه در این عرصه، فعالیت های شیخ مفید بود. وی با استفاده از فضای آزاد سیاسی و مذهبی حاکم بر حوزه های آل بویه، با شرکت در مجالس مناظره ادیان (شوشتری، ۱۳۷۷: ۲ / ۴۶۵) و تألیفات و تربیت شاگردانی مانند سیدمرتضی، سیدمرتضی و شیخ طوسی (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۴۰) در رونق بخشیدن به فضای علمی موجود، نقش قابل توجهی داشت. تخصص او، قدرت استدلال و جدل در برابر حریفان در اثبات عقاید شیعه و تبلیغ آن بود. (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۱۲ / ۱۲۸) در نتیجه فعالیت های آموزشی علما و نخبگان شیعه در قرن چهارم، وضعیت ممتازی برای شیعیان رقم زده شد و برنامه های آنها با شدت و سرعت بیشتری دنبال گردید. غلبه مذهب شیعه و تبلیغ آن از سوی مراکز علمی و دربارهای متعدد، ضمن انسجام وضعیت شیعیان در مناطق مختلف موجب رشد علوم و دانش های گوناگون از جمله فقه را در قلمرو آل بویه فراهم نمود.

### گسترش گفتگو ها و مباحثات دینی

اولین و مهم ترین راهکار برای همگرایی مسلمانان، گفتگوی علمی است. این به این معناست که نظریه پردازان و عالمان دینی از فرقه های اسلامی با یکدیگر در گفتگوهای علمی شرکت کنند. در این گفتگوها، بر مسائل مشترک تأکید شود و با اصول و مبانی یکدیگر آشنا شوند؛ زیرا عدم آشنایی کامل، ریشه بسیاری از اختلافات و بدبینی ها است. قرآن کریم در آیه ای می فرماید: "فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون أحسنه أولئک الذین هدئهم الله و أولئک هم أولو الالباب" (سوره زمر، آیات ۱۷ و ۱۸). این آیه مسلمانان را به گفتگوی مسالمت آمیز با اهل کتاب دعوت می کند تا به حقیقت برسند. بنابراین، برای رسیدن به این هدف، مسلمانان نیاز دارند که اختلافات خود را از طریق گفتگوی سالم و رعایت آداب آن حل و فصل کنند.

از مهم ترین اقدامات آل بویه که ناشی از مدارای مذهبی آنها بوده است. می توان به تشکیل جلسات علمی و مباحثات، تشکیل مجالس و انجمن های علمی و فرهنگی، توسط نخبگان سیاسی آل بویه اشاره کرد. عالمان گروه های مختلف مذهبی و دینی در حالی که از طرف حکومت آل بویه نیز حمایت می شدند، به نشر و ترویج اندیشه های علمی و مذهبی خود می پرداختند. منازل امیران، وزیران و دانشمندان، کتابخانه ها و دارالعلوم ها و حتی کتابفروشی ها، از جمله مراکزی بودند که مجالس و حلقه های بحث و گفتگو در آن تشکیل می شد و گروه های مختلف در آن مکان ها به مباحثات علمی می نشستند.

در این راستا فرمانروایان آل بویه مصلحت را در آن می دیدند که درگیریها و کشمکش های مناظره کنندگان را به آشتی مبدل سازند بخصوص در گرایشهایی که رویکرد دشمنی داشتند مانند اخشیبه که سازش و الفت آنها و بهشمیه (گرایش شیعه) به سود آل بویه بود. (کرمر، ۱۳۷۵: ۱۱۹) معمولاً امیران، جلسات مباحثه و مناظره را بر مجالس اشراف ترجیح می دادند. (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۱۵/۷) برخی از بزرگان و دانشمندان نیز منازل خود را برای جلسات مباحثه با ارباب مذاهب اختصاص داده بودند. منزل شیخ مفید از جمله این مکان ها بود که مباحثه های شیخ در آن انجام می گرفت. (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۳۴۰/۷) گاه نیز مناظره های شیخ در منازل دیگر بزرگان که محل اجتماع علمای مذهب بود، انجام می گرفت. وی در

کتاب الفصول المختار، که تقریر مباحث مجالس اوست به بسیاری از این مکان‌ها اشاره کرده است. مناظره‌های شیخ صدوق در حضور رکن الدوله، مناظره‌های شیخ مفید با شخصیت‌های نامدار فرقهای اسلامی مانند علی بن عیسی زمانی، ابوبکر باقلانی و عبدالجبار معتزلی، مناظره کشی ابن قبه با ابوالقاسم بلخی در مسئله امامت، پاسخ مفضل و مکتوب سید مرتضی به قاضی عبدالجبار معتزلی با کتاب الشافی از ابن قبیل اند. (کرمر، ۱۳۵۷: ۱۱۸ و ۱۱۹) این مناظره‌های بین مذاهب شیعه و سنی، گرایش‌های متفاوت یک مکتب و حتی بین ادیان یهودیها و مسیحیان و یهودیها و مسلمانان برگزار می‌شد.

از نمونه‌های همکاری بزرگان شیعه با حکومت آل بویه می‌توان به ابوجعفر محمدبن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق اشاره نمود که مورد احترام رکن الدوله دیلمی بود که به دعوت او از قم به ری آمد و جلسات مباحثه‌های گسترده‌ای در دربار رکن الدوله با پیروان ادیان و مذاهب گوناگون برپا نمود. او در دوره عضدالدوله نیز همچنان در امور فرهنگی فعال بود. شیخ صدوق در فاصله سالهای ۳۳۹ تا ۳۴۷ توانست آزادانه در ممالک اسلامی از ری تا بلخ و بخارا سپس تا بغداد، کوفه، مکه و مدینه سفر نماید. (ترکمنی آذر، ۱۳۸۵: ۱۶۱) در این مسافرتها ارتباطات او با مردم گسترش یافت و ضمن دیدار با مردم این مناطق به پاسخگویی به سؤالات و رفع شبهات عقیدتی شیعیان پرداخت و با نگارش کتاب، نقش مهمی در تحکیم و تبلیغ اندیشه‌های شیعی داشت. (جعفریان، ۱۳۸۵: ۳۳۰) خیزش فرهنگی شیعیان در این عصر و ورود آنها به عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، بیش از همه مدیون نخبه‌های عالمی همچون شیخ مفید (م ۴۱۳) بود که همکاری با حکومت را به «قصد تدبیر امور عباد و بلاد» جایز می‌دانست. (ترکمنی آذر، ۱۳۸۵: ۱۶۱) تسامح و تساهل گری و برپایی مناظره‌ها، رابطه و تاثیر متقابل وجود دارد؛ یعنی همان‌گونه که روحیه تساهل گری، تحمل برپایی مجالس مباحثه را موجب می‌شود متقابلاً شرکت در آن مجلس و آشنایی با نحوه‌های فکری مختلف و شنیدن استدلال‌های ایشان موجب ایجاد یا تقویت روحیه تسامح و تساهل گری در فرد می‌شود. و این قضیه خودش را در جنبه‌های مختلف علمی از جمله گسترش گفتگوها و مباحثات دینی نشان داد.

#### تاسیس و توسعه نهادهای آموزش دینی

با به قدرت رسیدن آل بویه نهادهای تربیتی مختلفی از جمله، دارالعلم‌ها و مدارس را تاسیس کردند، دارالعلم به مراکز علمی اطلاق می‌شد که دارای بخش‌های مختلفی از جمله کتابخانه، تالار مطالعه و نمایشگاهی متصل به آن، همچنین فضایی برای حضور و دیدار نخبگان علمی با یکدیگر بودند. در صورت تمایل دانشمندان و دانشجویان جهت اقامت در این محل، امکانات و تسهیلات لازم برای آنها فراهم بود. همچنین تمام کارکنان این مرکز که همگی از افراد فرهیخته به شمار می‌رفتند، از حقوق و مستمری لازم برخوردار بودند. (سیاهپوش، ۱۳۹۰: ۱۷۴) این مرکز، محل تعلیم و آموزش و نیز محل ترجمه و استنساخ کتابهای ارزشمند و نسخه‌های انحصاری و شاهکارهای ادبی محسوب می‌شد که کتابخانه رکن اصلی آن بود. در این مرکز، جلسات سخنرانی و مجالس مناظره و کلاس‌های (برحسب ضرورت) برپا می‌شد. (عش، ۱۳۷۲: ۱۶۵)، اوج درخشش دارالعلم‌ها مربوط به شیعیان است

#### دارالعلم شاپور

در سال ۳۸۱ هجری ابونصر شاپورین اردشیر (م ۴۱۶) وزیر بهاءالدوله دیلمی (م ۴۰۳)، خانه‌ای در محله شیعه نشین بغداد (کرخ) خریداری نمود و پس از نوسازی آن را دارالعلم نامید. (ابن اثیر، ۱۳۸۳، ۵۳۴/۱۲) کرخ در جنوب غربی بغداد واقع شده بود. (لسترنج، ۱۳۶۴: ۵۷) بنا به گفته یاقوت. این مرکز در بین السورین میان دو حصار (تاسیس شد و وقف عموم دانشمندان و علاقمندان علم و دانش گردید در این محل، دست نوشته‌ها و نسخه‌های خطی ارزشمندی از پیشوایان بزرگ علم و معونت جمع‌آوری و نگهداری می‌شد. (حمودی، ۱۳۸۱: ۱/۶۸۶) این مرکز علاوه بر گسترش و نشر انواع دانش از جمله علوم نقلی، کارکرد تبلیغی نیز داشت و باعث تقویت بنیادهای فکری شیعیان می‌شد البته از دارالعلم‌های معروف دیگر میتوان به دارالعلم سیدمرتضی و دارالملک سید رضی اشاره کرد.

#### دارالعلم سید مرتضی

سیدمرتضی (م ۴۳۶) از فقهای شیعه بود که خانه‌ای را در بغداد خرید و به انواع کتاب و آثار علمی مجهز نمود و آن را دارالعلم نامید. در این مرکز هشتاد هزار جلد کتاب وجود داشت که تمام متون آن به حوره شیعیان مربوط بود. این مرکز در گسترش اصول اعتقادی شیعه امامیه نقش قابل توجهی داشت سید مرتضی مجالس درس، بحث و مناظرات خود را در همین دارالعلم برگزار می‌نمود. این مرکز پایگاه و نشر مسائل و علوم می‌مانند مباحث ادبی، فقهی و کلامی بودند (کریمی زنجانی، ۱۳۸۵: ۲۶۳)، وی به تمامی شاگردانش که در این دارالعلم حضور می‌یافتند مقرری دائمی پرداخت می‌نمود. دارالعلی مرتضی به علت غنای علمی و تسهیلاتی که در تأمین نیازهای مالی دانشجویان فراهم ساخته بود، تکیه‌گاه محکم و ثابتی در امر مطالعه و تحقیق و پژوهش در اصول اعتقادی شیعه به شمار می‌رفت (محیط طباطبایی، ۱۳۵۴: ۳/۳۵)

#### دارالعلم سیدمرتضی



شاعر و دانشمند مشهور و نقیب علویان، خانه ای به دارالعلم اختصاص داد که در آن به روی طالبان علم گشوده بود. سیدرضی از فقهای شیعه بود که با دربار بهاءالدوله ارتباط داشت. وی خود یک مرکز علمی در بغداد تأسیس نمود و آن را دارالعلم نامید. دارالعلم او یک کتابخانه ارزشمند و غنی داشت که سیدرضی خود در این مرکز تدریس می کرد و دانشجویان برای شنیدن سخنان او و استفاده از کتاب های موجود، به این دارالعلم مراجعه می نمودند. سیدرضی از اموال شخصی خود، کمک هزینه ای را در اختیار دانشجویان و پژوهشگران قرار می داد. (شبلی، ۱۳۷۰: ۱۵۶) دارالعلم ها از مراکزی بودند که حیات علمی شیعیان این عصر از طریق آنها دنبال گردید و پادشاهان آل بویه در تقویت آن کوشش کردند. آنها به این نتیجه رسیدند که حمایت از این مراکز، توانمندی و قدرت علمی خاصی را برایتان به همراه دارد که می توانند با مجهز شدن به آن در برابر جریان های فکری رقیب و ریشه دار، موقعیت شیعیان تازه به صحنه آمده را ارتقاء بخشند و همچنین موجودیت خود را در برابر دولت های شیعه همسایه حفظ نمایند.

از قرائن اینگونه برمی آید که این مرکز با داشتن استاد ثابت، موجب و موقوفات دائمی، حضور دانشمندان و دانشجویان و پذیرایی از آنان، کارکرد تبلیغی و تعلیماتی داشته و فراتر از یک کتابخانه بوده است مانند سایر دارالعلم های این عصر، آراء، نظرات و مذاهب مؤسسان آن را تبلیغ می کردند. (عش، ۱۳۷۲: ۱۲۱)

### توسعه مدارس علوم دینی

در مقایسه کارکرد علمی مدارس با دارالعلم ها می توان اینطور اظهار داشت که برنامه آموزشی و درسی مدارس اغلب حول محور علوم مذهبی (شرعی) قرار داشت و هر یک از گروه های مذهبی مدارس خاص خود را در اختیار داشتند؛ اما در دارالعلم ها دانش های گوناگون از جمله رشته های مختلف علوم عقلی نیز تدریس می شد. این مراکز در مقایسه با مدارس، عمومی تر بودند و علاقمندان علم و دانش با هر گرایش مذهبی می توانستند. در آن رفت و آمد داشته باشند، دارالعلم ها در واقع در حکم دانشگاه های امروزی بودند و سطح تعلیمات آنها از مدارس بالاتر بود. از شباهت ها این دو مرکز می توان به این نکات اشاره نمود: هر دوی این مراکز دارای استاد یا اساتید ثابتی بودند و همچنین کتابخانه هایی ضمیمه آنها بود و هر دو از طریق موقوفات اداره می شدند و همچنین وظیفه تامین نیازها و مایحتاج طلاب و دانشجویان را بر عهده داشتند. (مجتهدی، ۱۳۷۹: ۳۶-۳۳)

از مدارس معروف شیراز می توان به مدرسه فراریه اشاره کرد. خاندان فراری از جمله خاندان هایی بودند که در زمان حکومت آل بویه مدرسی در شیراز به آنها منسوب بود. این خاندان نزدیک به دویست سال به امر تدریس مشغول بودند، ابو محمد عبدالله بن احمد بن سلیمان (سلمان) از نخستین افراد این خاندان برد که بنا به درخواست خود به همراه عضدالدوله از بغداد به شیراز آمد و در آنجا مدرسه ای دایر نمود که تا قرن هشتم همچنان فعال و پابرجا باقی ماند. (زرکوب شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۲۴)، از مدارس مهم دیگر، مدارس کاشان می باشد. اهالی کاشان همگی شیعه بودند (لسترنج، ۱۳۶۴: ۲۲۶) و نام این شهر همواره در کنار نام قم ذکر شده است (شوشتری، ۱۳۵۴: ۱/ ۸۵)، صاحب نقض مدارس مجدییه، شرفیه و عزیزیه را از مهم ترین مراکز فعال علمی دانسته است که تا زمان او زینت آلات و تجهیزات و اوقاف خاص خود را داشتند و علما و فقها و مدرسان ممتازی در این مراکز تدریس داشتند. (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۱۹۸)

ورامین از دیگر شهرهای قلمرو آل بویه و از توابع ری محسوب می شد. (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۷۱). این شهر دارای مساجد و مدرسی بود و پیروان مذاهب گوناگون در آن سکونت داشتند و هر یک بدون تعصب مذهبی مراسم دینی خود را انجام میدادند (شوشتری، ۱۳۵۴: ۱/ ۹۵). از مدارس ورامین می توان به مدرسه رضویه و فتحیه اشاره نمود که هر یک از آنها مدرسان و اوقاف خاص خود را داشتند. (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۱۹۰) انگیزه تاسیس مدرسی که به آموزش علوم دینی، مذهبی و ادبی اختصاص داشت بیشتر پیدایی مذاهب فقهی و مکتب های کلامی بود که پیشوایان مذاهب و فقیهان وابسته به فرقه های مذهبی را نیازمند به تاسیس مراکزی آموزشی می کرد. (کسانی، ۱۳۸۳: ۲۹۶)

### بکارگیری روش ترکیبی عقلانی-استناد به ظاهر نصوص در استنباط مسائل فقهی

تاریخ اجتهاد فقهی در مذهب شیعه دوره های مختلفی را چون دیگر دانش ها پیموده است:

بدون شک عصر پیامبر اکرم (ص) عصری مشترک برای تمامی مسلمانان می باشد که همه احکام دینی خود را بدون واسطه از آن حضرت دریافت می کردند و آن حضرت تنها مرجع علمی مسلمانان تلقی می شد. پس از رحلت آن حضرت اهل بیت (علیهم السلام) در کنار قرآن کریم به عنوان مرجع علمی مسلمین پاسخگویی به مشکلات مسلمانان همچنین به تبیین احکام و معارف و صیانت از شریعت، تلاش کردند و بر اساس میراث علمی و فرهنگی آنان نیز دوره های مختلفی از تاریخ فقه و اجتهاد پدید آمد. با شروع دوران غیبت کبری دوره جدیدی در فقه شیعه آغاز شد که به «عصر محدثان» شهرت یافته است. در این دوره مسأله رجوع به فقیه شکل دیگری به خود گرفت؛ فقیهان جامع الشرایط مسئولیت پاسخگویی را به عهده گرفتند و خلأ و مشکل عدم دسترسی به امام معصوم را با حضور خود در عرصه اجتماع پر کردند. در این مرحله، کار کسانی که باید آنان را

محدث-فقیه نامید؛ عموماً تنظیم نصوص در قالب عبارات فقهی - بدون یاد از سند و با حذف و اضافه کردن بر عبارت - برای منظم بودن بحث‌های فقهی بود. در دوره مذهبی معین، فقه اهل بیت (علیهم‌السلام) به شکلی خاص و متمایز به تدوین نوشته‌ها پرداخت. یکی از مهمترین نمونه‌های این روش، کتاب "شرائع" اثر علی بن بابویه قمی است. او این کتاب را به صورت یک نامه به فرزندش، محمد بن علی بن بابویه، معروف به شیخ صدوق، نوشت. این کتاب، اگرچه به صورت اصلی از دست رفته و حتی یک نسخه از آن هم در دست نیافته، ولی به عنوان نمونه‌ای از روش تدوین و کتاب‌نگاری در زمان اهل بیت شناخته می‌شود. در این دوره، هر گاه اصحاب نیاز به رسیدن به نصوص دینی حس می‌کردند و متون کمبود داشتند، به کتاب "شرائع" علی بن بابویه مراجعه می‌کردند. بنابراین، در این دوره، معنویت و متن‌گرایی موجود بود و قاعده‌گذاری و تدوین اصول فقهی از تأکید بر متون روایی همراه با اشاره به اسناد و روایات صورت می‌گرفت. دو کتاب مشهور در این زمینه "الکافی" اثر شیخ کلینی و "من لا یحضره الفقیه" اثر شیخ صدوق هستند که در این دوره به تدوین و تنظیم متون فقهی پرداخته‌اند. در دوره مذکور، سه مدرسه فقهی شیعه وجود داشتند. یکی از این مدارس، "مدرسه قم و ری" بود که فقهای آن تمرکز خود را بر نصوص دینی قرار می‌دادند و از استدلال‌های عقلی برای تبیین مسائل فقهی استفاده محدودی می‌کردند. بزرگان این مدرسه شامل صدوق و پدر و پسر او بودند. دومین مدرسه، "مدرسه عمانی و اسکافی" بود که به استفاده از استدلال‌های عقلی در مسائل فقهی شناخته شده بودند و گاهی به قیاس و استحسان نیز رجوع می‌کردند. گفته شده تألیفات آنان مانند «التمسک بحبل آل الرسول» و «تهذیب الشیعه لاحکام الشریعه» و «الاحمدی للفقہ المحمدی» که در آنها استدلال‌ها و تفریعاتی عقلی بر مسائل فقهی زده شده، نزد اصحاب و علمای قرن‌های چهارم و پنجم بسیار معتبر شمرده می‌شده است. دوره سوم فقهت در تاریخ شیعه به عنوان دوره تحولی در عرصه فقهت و اجتهاد شناخته می‌شود. این دوره آغاز می‌شود با آغاز تألیف کتاب "النهایه" به نوشته شیخ طوسی، که او به اجبار از بغداد به نجف اشرف هجرت کرد. شیخ طوسی از شاگردان برجسته شیخ مفید و سید مرتضی بود و مدت طولانی‌تری نزد آنان شاگردی کرد. در این دوره، اصول فقهی به شکل جدیدی تدوین شده و رویکرد تألیف کتب فقهی تغییر کرد. شیخ طوسی در کتاب "النهایه" به صورت مختصر و با استفاده از متون روایات و بدون تفریعات گسترده، فقه امامی را تبیین کرد. سپس، با تهدید و ناامنی در بغداد، او به نجف اشرف هجرت کرد و در آنجا حوزه علمی تأسیس کرد. در نجف اشرف، شیخ طوسی با تغییر در روش تدوین کتب فقهی، به طور کامل از استدلال‌های روایات و قواعد اصول عقلی استفاده کرد. او از تقلید به متن روایات (نه محتوای آن) در تدوین مسائل فقهی خارج شد و فصل‌های جدیدی در تدوین کتب فقهی امامیه باز کرد. در این دوره، تأثیرگذاری شیخ طوسی و تحولاتی که وی در روش‌های فقهی اعمال کرد، بسیار مهم بوده و موجب تحولات اساسی در فقه امامیه شده است. شیخ طوسی، اجماع نزد امامیه به عنوان یکی از ادله مورد پذیرش قرار گرفت هر چند مبنای حجیت آن نزد شیعه که از راه «لطف» و مانند آن دانسته می‌شد به کلی متفاوت با مبنای اهل سنت در حجت شمردن آن است. ۳ همچنین به گسترش «علم اصول فقه» پرداخت به این صورت که با نگارش کتاب «عدّه الاصول» که سالها به عنوان کتاب درسی در حوزه‌های علمیه امامیه مورد استفاده قرار گرفت به این کار اقدام کرد که از ثمرات مهم این اثر، اثبات حجیت خبر واحد بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۱۲/۱-۹۶) شیخ مفید مسئولیت بزرگ دفاع از حقانیت شیعه را آن زمان در بغداد به عهده داشت. قبل از شیخ مفید تمسک به ظواهر احادیث به شدت رواج داشت و بهره گرفتن از عقل و روش عقلی در استنباط احکام شرعی منزلت چندانی نداشت و این امر در مسیر تکامل علوم و پیشرفت علما مانع ایجاد کرده بود و با ظهور شیخ به عقل‌گرایی بیش از گذشته توجه شد.

شیخ مفید با شیوه عقل‌گرایی خویش و با رویکرد اسلامی توانست روش بنیادین دو مشرب اهل حدیث و اهل رای را در فقه شیعه پایه‌گذاری کرد و شاگردان شیخ طوسی آن را به نهایت اوج خود رساندند به حدی که تا یک قرن پس از وی کسی نتوانست برآرای وی نقدی بزند. (جعفری، ۱۳۷۹: ۲۱۹)

### گسترش تألیفات دینی - آموزشی

از آنجا که مراکز علمی این عصر اغلب وقفی بودند محتوای آموزشی و دروسی که باید تدریس می‌شد و حتی مذهبی که یک مرکز علمی میبایست در راستای تبلیغ آن فعالیت می‌نمود، معمولاً به وسیله وقف کننده و یا مؤسس آن مرکز تعیین می‌گردید. (یوسفی فر، ۱۳۹۰: ۲۳۹) در دوره آل بویه فقهای شیعی به طور خاص توانستند به اظهار وجود بپردازند و افکار و آثار علمی خویش را منتشر سازند و تقیه که تنها برای شیعیان امری واجب تلقی شده و صرفاً به منظور حفظ جان و افکار خویش برای انتقال به موقع آن بوده است، در دوران آل بویه برداشته شد. (مظفر، ۱۳۶۸: ۱۰۱)

علوم فقهی که زندگی فردی و اجتماعی برآن استوار است و وظایف حقوق، حدود و اخلاق فردی و اجتماعی در آن ملحوظ است بیش از همه در این دوران مورد توجه بوده است. آثار فقهی شیعه در این دوره به نهایت کمال رسید. نویسندگان کتب معتبر شیعی از جمله کلینی (م ۳۲۹ ق) صاحب کتاب کافی، شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) صاحب کتاب من لا یحضره الفقیه و شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) صاحب دو کتاب استبصار و تهذیب الاحکام در این دوره زیسته‌اند.

شیخ مفید با نوشتن کتاب المقبعه، ناکافی بودن روش محدثات و مخالفت با قیاس را اثبات کرد و این ویژگی را به حوزه ی بغداد افزود و به سلطه ی فقهی مخترعان بر فقه پایان داد. این کتاب به اصول دین، فروع دین و احکام و ابواب نماز و ... می پردازد. شیخ مفید هم چنین با تالیف التذکره اصول الفقه و گردآوری مسائل اصولی در آن پای اصول فقه را به فقه شیعه باز کرد. (مدرس خیابانی، ۱۳۶۹: ۲۵/۴) سید مرتضی با تالیف کتاب الذریعه الی اصول الشریعه در اصول فقه و کتاب الانتصار و ناصریات در فقه، به بررسی اقوال علمای دیگر مذاهب تبیین دیدگاه خود اقدام کرده است (همان: ۳۵/۲)، الانتصار، کتابی در زمینه فقه تطبیقی و آنچه را که از متفردات فقه شیعه است یا گمان می رود که از اینگونه مسائل انحصاری فقه شیعه باشد. کتاب بیش از ۳۲۶ مساله را در خود دارد و اهمیت آن به دو جنبه ی تاریخی و علمی بازمی گردد. الناصریات این کتاب مشتمل بر ۲۰۷ مساله است: یا مسائل فقهی یا اعتقادی، در واقع این کتاب، شرح و بررسی و نقد و تحکیم فقه جدش (حسن اطروش) است. الذریعه، در موضوع اصول فقه مشتمل بر ۱۴ باب؛ که هر بابی چند فصل دارد و مباحثی چون خطاب، امر، نهی، عموم، خصوص و ... و مباحثی دیگر از علم اصول را دربردارد. (محر الدین، ۱۳۷۳: ۹۴-۱۱۵)

### منابع

قرآن کریم.

ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۸۳) الکامل فی التاریخ (تاریخ بزرگ و کامل). ترجمه حمیدرضا آذیر ج ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳. ج ۱، تهران: انتشارات اساطیر.

ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۵۱) الکامل فی التاریخ (تاریخ بزرگ و کامل). ترجمه علی هاشمی حائری. ج ۱۵، ۱۶. تهران. شرکت چاپ و انتشارات کتب ایران.

ابن تغزی بردی، جمال الدین یوسف، (بی تا)، النجوم الزاهره فی ملوک المصر و القاهره، قاهره: الموسسه المصریه العلمیه.

ابن جوزی، ابوالفرح عبدالرحمن بن علی بن محمد. (۱۴۱۲ ه.ق) المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک. تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، ج ۱۴، ۱۵، ۱۶ بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن خلکان، احمد بن محمد (بی تا) رفات الاعیان. ج ۲ و ۴ محقق احسان، باس، قم، شریف رضی.

ابن قفطی، علی بن یوسف (۱۳۷۱) تاریخ الحکماء. ترجمه مهین دخت دارائی. تهران. موسسه انتشارات دانشگاه تهران.

ابن شهر آشوب، (۱۳۸۰) معالم العلماء، منشورات مطبوعه الحیدریه، چاپ نجف اشرف،

ابن کثیر الدمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ ه.ق). البدایه و النهایه. ج ۱۱، ۱۲. بیروت: دارالفکر.

ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۸۱) الفهرست. مصحح محمد تجدد. چاپ سوم. تهران. امیرکبیر.

اشپولر، برتولد (۱۳۶۹) تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه جواد فلاطوری تهران: انتشارات علمی و فرهنگی جلد ۱ چاپ چهارم.

اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۴۰) مسالک و ممالک. به کوشش ایرج افشار، تهران: ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول.

امین، سید محسن (۱۴۱۸) اعیان الشیعه. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

ترکمنی آذر، پروین (۱۳۸۵) تاریخ سیاسی شیعیان اثنی عشری در ایران از ورود مسلمانان به ایران تا تشکیل حکومت صفویه. به اهتمام مؤسسه شیعه شناسی، ج ۱، تهران: شیعه شناسی.

ترکمنی آذر، پروین (۱۳۸۹) دیلمیان در کستره تاریخ ایران. ج ۳. تهران: سمت.

تعالبی، عبدالملک (۱۴۰۳) نیمه الدهر، تحقیق مفید محمد قمحیه، ج ۲، ج، بیروت: دارالکتب العلمیه.

جعفری، یعقوب (۱۳۷۹) مسلمانان در بستر تاریخ. تهران. دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.

جعفریان، رسول (۱۳۸۵) تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی. ج، قم: انتشارات انصاریان.

حسینیان مقدم و دیگران (بی تا)، تاریخ تشیع، دولت ها، خاندانها و آثار علما و فرهنگی شیعه، تهران، انتشارات سمت.

حلی، عبدالحسن (۱۳۸۱)، حیاة الشریف الرضی، تهران، انتشارات بعثت.

حلی، ابی منصور الحسن بن یوسف بن المطهر (۴۲۲ق) خلاصه الاقوال فی معرفه الرجال، التحقیق جواد القیوی. ناشر مکتبه اهل البیت (علیهم السلام)

خوارزمی، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۲) مفاتیح العلوم. ترجمه حسن خدیو جم، انتشارات علمی و فرهنگی چاپ دوم.

خوانساری، اصفهانی، محمباقر (۱۳۶۰) روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات. ترجمه مقدمه و اضافات محمدباقر ساعد خوانساری، کتاب فروشی اسلامی.

دوانی، علی (۱۳۸۷) مفاخر السلام، ج ۳، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم.

- ذهبی، محمدبن احمد (۱۴۱۳هـ) سیر اعلام النبلاء، بیروت: الرساله جلد ۱۷، چاپ هفدهم.
- زرکوب شیرازی، ابوالعباس معین الدین (۱۳۸۹) شیرازنامه، به کوشش اسماعیل واعظ جوادی، جلد ۳، تهران: مکتبه الاسلامیه بنیاد فرهنگ ایران.
- زرین کوب، عبالحسین (۱۳۸۰) تاریخ مردم ایران: از پایان ساسانیان تا پایان آل بویه: کشمکش با قدرتها (جلد ۲)، ناشر امیرکبیر، چاپ ششم.
- سیاهپوش، سید ابوتراب (۱۳۹۰) بیت الحکمه و نقش آن در تحول علوم و پیشرفت تمدن اسلامی، ج ۱. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سیاح، احمد (۱۳۸۲) لغت نامه یا فرهنگ بزرگ جامع نوین - ترجمه المنجد عربی) تهران: انتشارات اسلام، چاپ چهارم.
- شیبی، کامل (۱۳۷۴)، تشیع و تصوف، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران: امیرکبیر.
- شوشتری، نورالله (۱۳۵۴ و ۱۳۷۷). مجالس المؤمنین، ج ۱ و ۲. تهران: اسلامیه.
- شیرخانی، علی (۱۳۸۲) تشیع و روند گسترش آن در ایران، قم، دفتر نشر معارف، چاپ اول.
- طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۴) اختیار معرفه الرجال، موسسه آل البيت الاحیاء و التراث، قم، ج ۲، ص ۸۵۷، نقل از: محرمی، طوسی، محمدبن حسن (۱۳۴۷) التبیان فی تفسیر قرآن با مقدمه شیخ آقا بزرگ تهران، ج ۱، تحقیق شیعه العاملی، بیروت دار احیاء التراث العربی.
- طوسی، محمد بن حسن بن علی (۱۲۷۱ق) الفهرست، تصحیح و تعلیق محمد صادق، ناشر مکتبه المرتضویه، نجف اشرف چاپ اول.
- عش، یوسف (۱۳۷۲) کتابخانه های عمومی و نیمه عمومی عربی در قرون وسطی، ترجمه اسدالله علوی. ج ۱، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی
- فدایی عراقی، غلامرضا (۱۳۸۳) حیات علمی در عهد آل بویه. تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- فقیهه، علی اصغر (۱۳۵۷) آل بویه. اوضاع زمان ایشان با نموداری از زندگی مردم آن عصر. تهران: انتشارات صبا.
- فیض، علیرضا، (۱۳۷۹) مبادی فقه و اصول. تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.
- قزوینی رازی، ابوالرشید عبدالجلیل (۱۳۵۸) النقض: بعض مطالب النواصب فی نقض بعض فرائح الروافض، تصحیح جلال الدین محدث. چاپ دوم، تهران: انجمن آثار ملی.
- کبیر، مغیزالله (۱۳۶۲) ماهیگیران تاجدار. (مهری افشار مترجم) تهران انتشارات زرین.
- کسانی، نوراله (۱۳۸۳) فرهنگ نهادهای آموزشی ایران. تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- کرمر، جوئل. ل. (۱۳۷۵) احیای فرهنگی در عهد آل بویه. ترجمه محمد سعید حنائی کاشانی. ج ۱. تهران مرکز نشر دانشگاهی.
- کریمی زنجانی (۱۳۸۵) دارالعلم های شیعی و نوزایی فرهنگی در اسلام. تهران اطلاعات، چاپ ششم.
- گرچی، ابوالقاسم، (۱۳۷۷) تاریخ فقه و فقهها، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم،
- کلینی محمد بن یعقوب (۱۴۰۴ق یا ۱۳۴۸ش) کافی ترجمه سید جواد، مصطفوی تهران علمیه اسلامی، جلد ۱ و ۲.
- الگار، حامد (۱۳۶۹) دین و دولت در ایران و نقش علما در دوره قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، ج ۲، تهران: توس.
- لسترنج، گای (۱۳۶۴) جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- مادلونگ، ویلفرد (۱۳۸۱) مکتبها و فرقه های اسلامی در سده های میانه ترجمه جواد قاسمی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- متر، آدم (۱۳۶۲) تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری. ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو. تهران: انتشارات امیرکبیر
- مجتهدی، کریم و دیگران (۱۳۷۹) مدارس و دانشگاههای اسلامی و عربی در قرون وسطی چاپ اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- محمی الدین، عبدالرزاق، (۱۳۷۳)، شخصیت ادبی سید مرتضی، ترجمه جواد محدثی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- محیط طباطبایی، محمد. (۱۳۵۴). محیط زندگی شیخ طوسی. (یادنامه شیخ طوسی). به کوشش واعظ زاده خراسانی. جلد ۳. چاپ اول. مشهد: دانشکده الهیات.
- محرمی، غلامحسین (۱۳۸۴) تاریخ تشیع از آغاز تا پایان عصر غیبت (تهران، مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله علیه، چاپ سوم،
- مدرس خیابانی. میزا محمدعلی (۱۳۶۹). ریحانه الادب، ج ۱، ۲، ۳، و ۴ تبرییز: انتشارات شفق، چاپ سوم.
- مسکویه رازی، ابوعلی (۱۳۷۶) تجارب الامم و تعاقب الهمم. ترجمه علینقی منزوی، ج ۱، ۵، ۶، چ ۱. تهران: توس.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان (۱۴۱۳)، الارشاد، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، علمیه اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵) دائره المعارف فقه مقارن، مکارم شیرازی، ناصر، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، قم، چاپ اول.

مکدرموت، مارتین (۱۹۹۳) اندیشه های کلامی شیخ مفید. مترجم: احمد آرام. تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.  
نعمه، شیخ عبدالله (۱۳۶۷) فلاسفه شیعه، ترجمه سید جعفر غضبان، ناشر: آموزش انقلاب اسلامی  
نصر، سیدحسین (۱۳۵۰) علم و تمدن در اسلام. ترجمه احمد آرام. چ ۱، تهران: اندیشه.  
نفیسی، سعید (۱۳۸۶) تاریخ خاندان طاهریان به اهتمام عبدالکریم جریزه دار تهران انتشارات اساطیر.  
یوسفی فر، شهرام (۱۳۹۰) شهر و روستا در سده های میانه تاریخ ایرانا و چ ۱. تهران: پژوهشگاه علوم انسان و مطالعات فرهنگی.